



مبدأ و آغاز علوم انسانی تعالیم اسلامی بوده است

آیت الله قرهی گفت: اصل و اساس علوم انسانی، مبدأ و آغازش تعالیم و منویات اسلامی بوده است، اما متأسفانه بنا به دلایل نامعلوم و نامعتبر، ما تحت تأثیر و القاءات علوم انسانی غربی قرار گرفتیم.

آیت الله قرهی گفت: اصل و اساس علوم انسانی، مبدأ و آغازش تعالیم و منویات اسلامی بوده است، اما متأسفانه بنا به دلایل نامعلوم و نامعتبر، ما تحت تأثیر و القاءات علوم انسانی غربی قرار گرفتیم.

به گزارش خبرگزاری مهر، پایگاه خبری طلیعه، اخیراً به بهانه تحلیل تأثیرات علوم انسانی غربی و چالش های ایجاد شده در این مقوله برای فرهنگ و جامعه مورد نظر و تأیید دینی و اسلامی و تبیین سرمشق ها و مدل های صحیح و اصولی در برابر مواجه شدن با این تأثیرات و همچنین واکاوی سبقه و سابقه مسائل مورد مناقشه دیدگاه های اسلامی و توحیدی با سایر دیدگاه ها و اندیشه ها، با آیت الله روح الله قرهی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه و مدیر حوزه علمیه امام مهدی (عج)، گفتگویی انجام داده که در ادامه می خوانید؛

*استاد، حضرت امیر(ع) می فرمایند: روش و مسلک بیگانگان را پذیرفتن و مانند آنها رفتار و عمل کردن، ما را همانند آنها از مدار بومی و خاص و فرهنگی خود جدا می نماید، آیا این مسئله در باب تسرب علوم بیگانه و غربی به جامعه اسلامی ما دیده می شود؟

در این زمینه باید بیان کنم که، اساساً منشأ و سرچشمه علوم انسانی از اسلام و مبانی آن ظهور و بروز پیدا نموده است و بنده در مباحثه های متعدد در این زمینه، بحث و گفتگو کرده ام که اصل و اساس علوم انسانی، مبدأ و آغازش تعالیم و منویات اسلامی بوده است، اما متأسفانه بنا به دلایل نامعلوم و نامعتبر، ما تحت تأثیر و القاءات علوم انسانی غربی قرار گرفتیم و گمان بردیم که، علوم انسانی و مورد نیاز انسان، همین مولفه ها و مبانی است که، از غرب و جهان خارج برای ما آمده است.

آیا می توان گفت که علوم انسانی و شاخه های گوناگون آن مطالبی جز در باب انسانیت و فرهنگ و اقتصاد و سیاست و مسائل مربوط به حاکمیت و اجرای قوانین است. خُب، اگر این برداشت صحیح و درست باشد و در این گزاره ها به تفاهم رسیدیم و به این نتیجه دست یافتیم که این مولفه ها، مسائل و دغدغه های علوم انسانی هستند، بهترین و کاملترین این مبانی، در اصول و قواعد اسلام و منویات توحیدی برای انسان و جامعه انسانی بیان شده است.

متأسفانه در باب سوال طرح شده باید اذعان کرد، به علت نا آشنایی و دریافت های ناقص از مبانی و تعالیم الهی و توحیدی و اسلامی، رویکرد جامعه دانشگاهی و آموزشی ما در حال حاضر تبعیت و پیروی محض، از علوم وارداتی و غربی است، که این رویکرد، حتماً بازبینی و تعریف مجدد را می طلبد. در باب فرمایش حضرت امیر(ع) و تسرب رفتار و کردار بیگانگان در رفتار و کردار جامعه، باید گفت که بنا به فرمایش ایشان، اگر کسی و جامعه ای در برابر مشی و سلوک و فرهنگ شخص و یا جامعه دیگری قرار بگیرد، به طور قطع، تحت تأثیر و نفوذ و سیطره آن، از فرهنگ و شخصیت خود خارج شده و به تعبیری عبد و بنده آن فرهنگ و القاءات قرار می گیرد.

اساساً منشأ و سرچشمه علوم انسانی از اسلام و مبانی آن ظهور و بروز پیدا نموده است و بنده در مباحثه های متعدد در این زمینه، بحث و گفتگو کرده ام

*نحوه دریافت مبانی و اثر گذاری علوم وارداتی و نامتعارف به مبانی علمی و آموزشی چگونه خواهد بود و رویکرد مجامع علمی در این زمینه چه تعریفی دارد؟

این القاءات و دریافت های خارجی و غیر بومی، انسان را از مدار فکری خود خارج کرده و او را زیر سیطره و نفوذ هجمه های فکری بیگانه قرار می دهد که سرانجام این فعل و انفعال، بردگی فکری و فرهنگی است. در همین مقوله و در تعبیری از ابوریحان بیرونی و در کتاب «افراد المقال فی امر الظلال» آمده است که، به طور طبیعی و متداول، اگر انسان در مجاورت و هم نشینی با مسئله و یا باورهایی قرار بگیرد، به طور حتم، تحت القاءات و نفوذ آن قرار می گیرد و بنا به مولفه های آن باور، فرم و شکل می گیرد. این رویکرد و تأثیر را، هم اکنون می توان در تمامی گزاره ها و منابع و متون علوم انسانی مشاهده کرد.

در مقوله القاءات و نفوذ اندیشه ها و باورهای کشورهای و فرهنگ های وارداتی باید دقت و توجه نمود که در این مسئله فقط

استاد و مدرس نیست که انسان و دانشجو را تحت تأثیر قرار می دهد، بلکه در این باب باید گفت، کتب و منابعی که در مراکز و نهاد های آموزشی، مورد آموزش و تدریس قرار می گیرند، شاخصه های مهم تر و اساسی تری هستند. هر چند که به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب، استاد و مدرس و چهره به چهره واقع شدن نیز، قابلیت تأثیر و القاءات را تسریع خواهد کرد. بنابراین باید عنوان کرد که اگر فکر و فرهنگی در اساس و بنیان های فکری و آموزشی و مراکز و نهادهای علمی یک کشور رسوخ پیدا کند، جدا سازی و تفریق و ترمیم و بومی سازی آن فرهنگ و اندیشه، قطعاً کار بزرگ و سخت و سترگی خواهد بود.

*در این مقوله آیا تعابیر و شاخصه های دیگری نیز در تبیین جایگاه علوم وارداتی و غیر بومی و تأثیر آن بر فرهنگ و اندیشه های جامعه اسلامی تعریف شده است؟

در این باب از حضرت امیر(ع) روایت شده است که: «ومن علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً»، شاید این تعبیر به درستی بیان نماید که، آموزش و القا و فراگیری و استاد و منابع به چه میزان در قوام یابی و شکل گیری ذهن و فکر و باور انسان نقش ایفا می نماید. حضرت امیر(ع) در باب آموزش و فراگیری می فرمایند: «جوان و دانش آموز، همانند مزرعه و کشت زاری است که اگر هر بذر و دانه ای را در آن بکارید، قطعاً همان دانه و محصول را درو خواهید کرد.» بنابراین بسیار طبیعی و معلوم است زمانی که شما و جامعه دانشگاهی و آموزشی شما، تحت تفکرات و القاءات فرهنگ و دانش غربی و مورد نظر آنها قرار بگیرید، به طور حتم، دانش پژوهان و اساتید و متعلمین شما تحت سیطره و باور و نفوذ آن فرهنگ و اندیشه قرار می گیرند.

لذا در این پروسه، شما با مسائل جدید و بازآفرینی شده و نوین علمی روبرو نخواهید شد. باید بیان شود در بحث مسائل علوم انسانی غربی، اندیشمندانی مانند، «جان لاک و یا توماس هابز» وجود دارند که با کنکاش و جستجو در افکار و دیدگاه هایشان به این نتیجه می رسیم که، دستاوردها و اندیشه های این دست از متفکرین، فقط بازگویی و پخش مجدد افکار و اندیشه های، اندیشمندان و متفکرین قبلیشان بوده است و این محققین فقط این تعابیر را با مفاهیم نوین و جدیدی و گویش های نو ارائه کرده اند.

*نقاط مورد تخاصم و تعارض در دیدگاه های الهی و اسلامی با سایر دیدگاه ها و اندیشه ها دارای چه سبقه و سابقه ای هستند؟

بنده در مباحث و بحث های مختلف خود، بیان کرده ام که این مسائلی که هم اکنون و در دنیای مدرن مطرح است، مانند مباحثی مانند، فمینیست و یا ماده گرایی و امثال ذلک، در زمان حضرات معصومین(ع) هم مطرح می بوده است. فقط در حال حاضر رنگ و قالب های آن تغییر کرده و با طرح های جدید بیان می شوند. اگر به تاریخ مراجعه شود، خواهید یافت که در زمان شکوفایی علمی اسلامی، یعنی در زمانی که دعای مومنین اجابت شده بود و حاکمان فاسد بنی امیه و بنی عباس بر سر قدرت به جان هم افتاده بودند و عرصه علمی برای حضرات معصومین(ع) فراهم شده بود، مباحث گوناگون و متنوعی مانند همین ماده گرایی و فمینیست، البته با عناوین و تعابیر دیگر، مطرح می بوده و ائمه بزرگوار(ع) به این شبهات و سوالات، پاسخ و جواب می دادند. در باب تأثیر القاءات و باورهای غربی و وارداتی حتماً باید فرمایش حضرت امیر(ع) را که فرمودند: هر بذر و دانه ای را که بکارید، همان دانه و بذر را بر داشت می کنید، را مد نظر قرار داد.

در حال حاضر ما با ارائه علوم و تعالیم غربی و وارداتی به دانش جویان و متعلمین خود، این اندیشه ها و باورها را در آنها نهادینه کرده ایم و در نهایت خروجی این مفاهیم و اندیشه ها، دست آوردها و اندیشه های غربی خواهد بود. باید گفت اگر کسی با تعالیم و مبانی انسانی اسلامی و توحیدی آشنایی نداشته باشد و آنها را فرا نگرفته باشد، به طور قطع و یقین، زمانی که در مجاورت و آموزش علوم انسانی غربی قرار بگیرد، خواهد گفت که مبانی و آموزه های علوم انسانی، همین مولفه ها و شاخصه ها هستند.

با توجه به منویات و تعالیم الهی و اسلامی و مورد نظر جامعه توحیدی، می بایست مبانی و مولفه های مورد نیاز شاخه های علوم انسانی را تولید و در اختیار اندیشمندان و متعلمین خود قرار دهیم

*خروجی این تفکرات و القاءات چه گزاره ها و شاخصه هایی هستند؟

نمونه این القاءات مسائلی مانند؛ لیبرالیسم، ماتریالیسم و کاپیتالیسم هستند که با آموزش علوم انسانی غربی به دانش پژوهان و متعلمین ما در حال حاضر، آنها را تحت تأثیر و باور این تفکرات قرار داده است. در مقابل این نکته باید گفت که، اگر زمانی هم شخص یا فردی بخواهد در برابر این تفکرات و باورها ایستادگی نماید و یا با آنها مباحثه و بحث کند، او را به معارضه و مخالفت با علوم انسانی و مبانی آن می خوانند، گویی آن شخص که، می خواهد در باب علوم انسانی موجود مباحثه کند، اساساً با علم و پایه های علمی مخالف و معارض است.

در خاتمه باید بیان نماییم که اساساً انبیاء(ع) و تعالیم الهی و توحیدی، آمده اند تا معضلات و مشکلات انسان و هستی او را رفع و حل و فصل نمایند و نمی توان گفت که علوم الهی و اسلامی به انسان و نیاز های او توجه و اهتمام نداشته است، بلکه باید عنوان کرد همان طور که حضرت امیر(ع) بیان نموده اند، باید با توجه به فراگیری و نفوذ القائات و باورهای وارداتی و غربی و با توجه به منویات و تعالیم الهی و اسلامی و مورد نظر جامعه توحیدی، می بایست مبانی و مولفه های مورد نیاز شاخه های علوم انسانی را تولید و در اختیار اندیشمندان و متعلمین خود قرار دهیم.